

۱- تا زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی - جنگ سرد بین و به همراه جنگ گرم بین این دو ادامه یافت و

نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون نظریه‌ای بود که را توجیه می‌کرد.

- ۱) بلوک شرق - بلوک غرب - مناطق مرکزی - برچیده شدن جنگ را از قاموس بشری بعد از انقلاب صنعتی
 - ۲) مناطق مرکز - مناطق پیرامون - بلوک شرق و بلوک غرب - عملیات نظامی قدرت‌های غربی را در قبال مقاومت‌های کشور غیرغربی
 - ۳) بلوک شرق - بلوک غرب - مناطق پیرامونی - عملیات نظامی قدرت‌های غربی در قبال مقاومت‌های کشورهای غیرغربی
 - ۴) مناطق مرکز - مناطق پیرامون - بلوک شرق و بلوک غرب - برچیده شدن جنگ را از قاموس بشری بعد از انقلاب صنعتی
- ۲- هریک از عبارات زیر به کدام یک از اصطلاحات سیاسی مشابهی که برای اشاره به چالش شمال و جنوب وجود دارد، اشاره می‌کند؟

- چالش و نزاع بین کشورهای شمال و جنوب به ابعاد اقتصادی محدود نمی‌شود بلکه به ابعاد فرهنگی نیز باید توجه کرد

- جوامع غربی، چالش‌های درونی خود را از طریق استثمار اقتصادی کشورهای غیرغربی حل می‌کنند

- کشورهای سرمایه‌داری در کانون بلوک غرب و کشورهای دیگر در کانون بلوک شرق و با تحت نفوذ این دو بلوک می‌باشند

۱) اصطلاح استعمارگر و استعمارزده - کشورهای توسعه یافته و عقب مانده - مرکز و پیرامون

۲) تقابل غنی و فقیر - کشورهای توسعه یافته و عقب مانده - مرکز و پیرامون

۳) اصطلاح استعمارگر و استعمارزده - مرکز و پیرامون - جهان اول و دوم و سوم

۴) تقابل غنی و فقیر - مرکز و پیرامون - جهان اول و دوم و سوم

۳- تسهیل انتقال ثروت از کشورهای پیرامونی به کشورهای مرکزی، پیامد کدام یک از گزینه‌های زیر است؟

۱) کشورهای غربی به رغم بحران‌هایی که دارند همواره با استفاده از ابزارها و اهرم‌هایی که دارند، فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی را از اصل نظام سرمایه‌داری بر اقشار ضعیف و فقیر انتقال می‌دهند.

۲) کشورهای غربی مشکلات حاد درونی را به بیرون از مرزهای خود انتقال می‌دهند و بحران‌های اقتصادی خود را با سرمایه‌گذاری‌های مشترک و معاهدات بین‌المللی مدیریت می‌کنند.

۳) برخی معتقدند کشورهای پیرامونی به سبب نوع عملکرد کشورهای مرکزی در موقعیتی فقیرانه قرار می‌گیرند و جوامع مرکزی، چالش‌های درونی خود را از طریق تعامل اقتصادی با کشورهای غیرغربی حل می‌کنند.

۴) کشورهای غربی با ثروتی که از کشورهای پیرامونی به دست می‌آورند، سطح عمومی رفاه را برای کارگران و اقشار ضعیف جوامع غربی تأمین می‌کنند.

۴- چالش‌های مربوط به بحران اقتصادی است و هویتی دارد.

۱) اغلب دوره‌ای - سیاسی

۲) چالش مستمر در نظام سرمایه‌داری غربی - فرهنگی

۳) اغلب دوره‌ای - اقتصادی

۴) چالش مستمر در نظام سرمایه‌داری غربی - اجتماعی

۵- هریک از عبارات زیر به ترتیب، پیامدهای کدام گزینه است؟

الف) فروپاشی حکومت‌ها

ب) آشکار شدن پیامدهای جهانی بحران‌های اقتصادی منطقه‌ای

۱) افزایش دامنه بحران اقتصادی به دلیل مقاومت محرومان - شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی

۲) انتقال بحران اقتصادی به قشر محروم و مستضعف - پیوند بحران اقتصادی با مسئله فقر و غنا و تاثیرگذاری از عوامل داخلی کشورهای غربی

۳) عدم کنترل بحران اقتصادی - شکل‌گیری اقتصاد جهانی و کاهش اهمیت مرزهای سیاسی

۴) انتقال فشارهای ناشی از بحران‌های اقتصادی از سرمایه‌های انباشته به تولید کنندگان خرد - پیوند بحران اقتصادی با مسئله فقر و غنا و تاثیرپذیری از عوامل

داخلی کشورهای غربی

۶- کدام یک از گزینه‌های زیر در ارتباط با نگاه اساطیری به طبیعت، صحیح است ولی در ارتباط با فرهنگ مدرن و نگاه آن به طبیعت صحیح نیست؟

۱) فرهنگ‌های پیش از مدرن به دلیل نگاه دنیوی خود به طبیعت برای تصرف آن تنها فنون و روش‌های طبیعی را به کار می‌گیرند - طبیعت را ماده خام می‌داند که دارای ادراک و معرفت است

۲) طبیعت، ماده خام نیست و علاوه بر ظاهر دنیوی و این جهانی از ابعاد و نیروهای ماورایی نیز برخوردار است - فرهنگ مدرن، طبیعت را ماده خام می‌داند که دارای ادراک و معرفت است.

۳) به دلیل نگاه غیر دنیوی خود به طبیعت برای تصرف طبیعت از نیروهای معنوی نیز استفاده می‌کردند - طبیعت، ماده خامی است که در معرض تصرفات انسان قرار می‌گیرد.

۴) دیدگاه‌های دینی به طبیعت را کودکانه می‌پندارد و با غفلت از ابعاد معنوی طبیعت، تکنولوژی و صنعت، دستاورد آن است - تصرف در طبیعت تنها با فنون و روش‌های طبیعی انجام می‌شود و انقلاب صنعتی محصول همین رویکرد است.

۷- «برخی جامعه‌شناسان بر این گمان بودند که دین طی قرن بیستم از آخرین عرصه حضور خود بیرون خواهد رفت» کدام یک از گزینه‌های زیر خلاف این پیش‌بینی را نشان می‌دهد؟

۱) سکولاریسم و دنیوی‌گرایی به ترتیب در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم مطرح شد و فرهنگ خاص هر یک از این حوزه‌ها، سکولارو دنیوی شد، اما در حوزه فرهنگ عمومی همچنان دینی باقی ماند.

۲) دنیوی‌گرایی و سکولاریسم با پوشش دینی و قدسی امکان مطرح شدن داشت و گرایش‌ها و رفتارهای دنیوی تنها با توجیه و پوشش دینی امکان مطرح شدن داشتند.

۳) سال‌های پایانی قرن بیستم، شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی در سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بودیم و دین نه تنها از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد بلکه بعضی از این موج بازگشت با عنوان افول سکولاریسم یاد کردند.

۴) غفلت از ابعاد معنوی وجود انسان به بهانه رویکرد دنیوی، صورت دیگری از بحران فرهنگی است که نشانه بحران معنویت در فرهنگ غرب است که با عنوان پساسکولاریسم از آن یاد کردند.

۸- موج بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی در جامعه غربی نشانه است و با عناوین و از آن یاد کردند؟

۱) بحران معنویت در فرهنگ غرب - افول سکولاریسم - پساسکولاریسم

۲) اقبال معنویت در فرهنگ غرب - افول سکولاریسم - پساسکولاریسم

۳) بحران معنویت در فرهنگ غرب - بازگشت به هویت تاریخی - فرهنگی

۴) اقبال معنویت در فرهنگ غرب - بازگشت به هویت تاریخی - فرهنگی

۹- نخستین بیدارگران اسلامی به کدام عوامل توجه داشتند؟ و در مقابل غرب چه اقداماتی را انجام دادند؟

۱) خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند - ایجاد حرکت‌ها و جنبش‌ها

۲) خطر فرهنگ غربی - رفتار سیاسی و اقتصادی غرب - ایجاد حرکت‌ها و جنبش‌ها

۳) خطر جوامع غربی و خطر شیوه‌ای که دولت‌های اسلامی در برابر آنان داشتند - اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی و به رسمیت شناختن قومیت‌های مختلف در متن امت واحد اسلامی

۴) خطر فرهنگ غربی - رفتار سیاسی و اقتصادی غرب - اصلاح رفتار دولت‌های اسلامی و به رسمیت شناختن قومیت‌های مختلف در متن امت واحد اسلامی

۱۰- کدام یک از گزینه‌های زیر ویژگی‌های منورالفکران غرب زده را نشان نمی‌دهد؟ و علت اینکه خود را منورالفکر می‌خوانند چه بود؟

۱) نسبت به کشورهای استعمارگر احساس خطر نمی‌کردند، بلکه حضور سیاسی و اقتصادی آنان را یک فرصت می‌دانستند - زیرا در ایران اومانیسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه می‌کردند.

۲) مفهوم امت و ملت اسلامی برای منورالفکران مفهومی بی‌معنا یا منفور بوده و در مقابل آن به اندیشه سیاسی قوم‌گرایانه غرب متجدد روی می‌آوردند - زیرا شیفته جوامع غربی بودند و خود را منورالفکر می‌دانستند.

۳) آنان در ایران ناسیونالیسم را به ملی‌گرایی و در کشورهای دیگر به شعوبیت و قومیت ترجمه کردند - زیرا شیفته‌ی جوامع غربی بودند و خود را منورالفکر می‌دانستند.

۴) مانند نخستین بیدارگران اسلامی، خواستار اصلاح رفتار دولت‌های کشورهای مسلمان بودند و اصلاح را در بازگشت به اسلام می‌دانستند - زیرا در ایران اومانیسم را به آدمیت و روشنگری مدرن را به منورالفکری ترجمه می‌کردند.